

دریافت ۹۷/۲/۱۰

تایید: ۹۷/۳/۱۵

اختیارات و مسؤولیت‌های حکومت اسلامی در حل معضلات محیط زیستی

یعقوب‌علی برجی

دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم

چکیده:

فقه مشتمل بر قواعد کلی و احکام جزئی زیادی است که در حل مسائل زیست محیطی کارآیی دارند. از قبیل قاعده ولایت فقیه، حکم حکومتی، لاضرر، اتلاف، اسراف، افساد، مصلحت و... در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی وظایف حکومت اسلامی در حفظ محیط زیست از آلودگی و حفظ منابع آن از نابودی و ترسیم سیاست‌های زیست محیطی و توسعه‌ای و تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها و تلاش‌های عملی در راه محیط زیستی سالم از نگاه فقه مورد بررسی قرار گرفته است. دست آورد پژوهش اثبات می‌کند که انجام وظایف فوق از اختیارات ولی فقیه در حکومت اسلامی است. ولی فقیه برای حفظ و توسعه محیط زیست بر اساس مصلحت جامعه و با استفاده از قواعد فقهی و احکام حکومتی می‌تواند وظایف فوق را در دستور کار دولتمردان و مجریان قرار دهد. حکومت اسلامی می‌تواند برای تنبیه و اصلاح مخالف‌کنندگان با قوانین و مقررات زیست محیطی، مجازات‌های مناسب و بازدارنده تعیین کند. بستن معاهدات بین‌المللی زیست محیطی و اجرای آن‌ها نیز از وظایف حکومت است. امروزه، کنوانسیون‌های مختلفی در زمینه محیط زیست وجود دارد که هدف آن‌ها الزام دول متعاقد به همکاری بین‌المللی به منظور حفاظت محیط زیست می‌باشد. طبق صریح آیات قرآن حکومت باید به تعهدات و پیمان‌ها پایبند باشد؛ خداوند در قرآن بر اجرای پیمان‌ها تأکید فراوان نموده است. قرآن از قراردادهای به‌عنوان پیمان خدا یاد نموده و متعاهدین را یادآور می‌شود که با عقد پیمان، گویی باخدا قرارداد نموده‌اند و پیمان خدا نیز مورد بازخواست خواهد بود.

واژگان کلیدی: محیط زیست، حکومت اسلامی، فقه، قواعد فقهی

شنیدن آواز روح بخش پرندگان، ترم لطیف جویباران، آهنگ دلربای چشمه‌ساران، صفای سبز سبزه‌زاران، نسیم لطیف کوهستان، رقص دل‌نشین درختان و زیبایی شهر و دیار، همه و همه، تأثیر اعجاب‌انگیزی بر زندگی انسان دارند. هرکسی، از تماشای چنین منظره‌های زیبایی احساس آرامش و نشاط می‌کند و امنیت و آسایش را در زندگی خویش می‌بیند. برعکس، آسیب رساندن به محیط زیست و نابودی طبیعت، زیان‌های جبران‌ناپذیری بر بشر وارد می‌آورد. افسردگی و افزایش بیماری‌های روحی و روانی انسان امروز، بی‌ارتباط با آلودگی‌ها، تخریب و آسیب‌های محیط زیست نیست.

قرآن کریم، گیاهان را «شادی‌آفرین» دانسته است و آن‌ها را «بهجت‌انگیز» توصیف می‌کند: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ؛ زمین را مرده و فسرده می‌بینی و چون آب باران بر آن‌ها فرستیم، بجنبند و بردمد و انواع گیاهان زیبا و شادی‌آفرین برویاند» (حج: ۵). این آیه شریفه نشان می‌دهد که در پرتو فرود آمدن باران، زمین، جنبشی سرور آمیز را آغاز می‌کند و در پی آن، انواع گوناگون گیاهان می‌روید و سبزی و خرمی آن، چشم هر بیننده‌ای را می‌نوازد و قلبش را سرشار از شادی و بهجت می‌کند. و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ؛ زمین را بگسترده‌ایم و در آن کوه‌های بلند و استوار نهادیم و از هرگونه گیاه زیبا و بهجت‌افزا در آن رویاندیم» (ق: ۷).

خداوند وصف زیبایی ذات بَهَجَةَ را به درختان نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهَجَةٍ؛ خداوند برای شما، از آسمان، آبی فرو فرستاد که بدان بوستان‌های خرم و شادی‌آفرین رویاندیم» (نحل: ۶). این طراوت، نشاط و بهجت‌انگیزی گیاهان و درختان، انگیزه‌ای در انسان ایجاد می‌کند و او را به سمت آبادانی زمین و امیدواری به زندگی می‌کشاند.

در سخنان گوهر بار معصومان(ع) نیز تعبیرهای گوناگونی از تأثیر بسیار مثبت گیاهان و درختان، در جسم و روح آدمی، آمده است. در برخی روایات، از تأثیر منظره‌های سرسبز، بر

تقویت دیده و بصیرت انسان و زدودن افسردگی‌ها و از بین رفتن بیماری‌های روحی و روانی، سخن گفته‌شده و در بعضی روایت‌ها، از رقابت لذت تماشای گیاهان با لذت‌های دیگر بحث شده است. در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود: «چهار چیز چهره را نورانی و روشن می‌کند که یکی از آن‌ها تماشای گیاهان خرم و سرسبز است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۳: ۹۴).

امام صادق(ع)، ابتدا، منفعتهای فراوان گیاهان و درختان و استفاده آن‌ها را بیان می‌کند و آنگاه به مُفَصَّل بن عمر می‌فرماید: «نگاه کردن به گل‌های رنگارنگ، شکوفه‌های زیبا و درختان سرسبز و خرم، چنان لذتی به آدمی می‌بخشد که هیچ لذتی را با آن برابر نمی‌توان کرد» (همان، ۳: ۱۲۹).

امروزه محیط زیست به خطر افتاده و آلودگی هوا، آب‌ها، و تخریب جنگلها و مراتع و نابودی تنوع زیستی و انقراض نسل حیوانات به حد بحران رسیده است. حل بحران محیط زیست که از چالش‌های بزرگ جهانی روزگار ما است، تنها و تنها درگرو مشارکت گسترده مردمی است و برای به صحنه آوردن مردم راهی جز اقدامات همه‌جانبه فرهنگی و علمی فرا روی ما نیست و همان‌طور که سازمان‌های بین‌المللی و بسیاری از کشورها نیز به‌درستی درک کرده‌اند، آموزه‌های دینی به‌عنوان بخش بزرگی از فرهنگ می‌تواند تأثیر به‌سزایی در رسیدن به این مقصود داشته باشد؛ پژوهش مستند و متقن درباره راهکارهای فقهی حل معضلات زیست‌محیطی و عرضه این آموزه‌ها به قلم استوار ضمن نشان دادن حقانیت اسلام، توانایی این دین خاتم را در حل معضلات نمایان می‌سازد. این مقاله به وظایف دولت اسلامی در حل معضلات محیط زیست پرداخته است.

۱- تعریف محیط زیست

محیط زیست (The Exvironment در زبان انگلیسی و «الیئشه» در زبان عربی) از دو کلمه «محیط» و «زیست» ترکیب یافته و در فارسی به معنای «جایگاه و محل زندگی» است. این واژه از نظر لغت، مواردی، همچون آلودگی هوا، راه‌های جلوگیری از تخریب طبیعی، حفاظت انواع جانوران، به‌ویژه پیشگیری از انقراض انواع نادر آن‌ها، بهداشت محیط و سایر امور مربوط به محل و پیرامون زندگی انسان، جلوگیری از تخریب و آلودگی و مبارزه با

عوامل مخرب و آلوده‌کننده طبیعت و عناصر و موجودات آن را شامل می‌شود و در اصطلاح به کلیه عوامل تهدیدکننده یا بهبودی بخش محیط زندگی در پیوند با طبیعت گفته می‌شود (علی‌جان، ۱۳۷۸: ۲۱۴). امروزه از محیط زیست مفاهیم گوناگونی را اراده می‌نمایند: مثل آلودگی هوا، جنگل و کوه، حقوق حیوانات و پرندگان، راه‌های جلوگیری از آلودگی هوا، راه‌های مبارزه با عوامل مخرب طبیعت و... محیط زیست در اصطلاح به کلیه عوامل تهدیدکننده و بهبودی بخشی محیط زیست اطلاق می‌شود (همان).

مشکل محیط زیست از مواردی است که به معضل جهانی و فراگیر تبدیل شده و هرروز ابعاد بیشتر و پیچیده‌تری پیدا می‌کند، به طوری که امروزه تقریباً دامنه همه علوم را فراگرفته و در حوزه‌های مختلف جای پا گشوده است، زیرا محیط زیست از جوانب مختلف مورد تهدید و تخریب قرار گرفته و اموری چون جمعیت، صنعت و تکنولوژی، مصرف‌گرایی، شهرنشینی و ده‌ها عامل ریزودرشت دیگر، مشکلات متعدد برای بشر به وجود آورده است که حل آن‌ها یا دست‌کم کاستن از آلام آن و قطع روند مخرب و فزاینده‌اش نیازمند مساعدت دانشمندان و متخصصان رشته‌های گوناگون علوم است (ناصری، ۱۳۹۱: ۳۵).

۲- مهمترین معضلات محیط زیست

محیط زیست از اجزا و عناصری تشکیل شده که زمینه بقا و زیستن را برای موجودات فراهم می‌سازند و فقدان یا آسیب دیدن هر یک از این عناصر، محیط زیست را دچار بحران خواهد کرد. مهم‌ترین این عناصر عبارت‌اند از:

الف) آب

آب مایعی حیاتی، بی‌رنگ‌وبو با فرمول شیمیایی H_2O (ترکیب دو مولکول هیدروژن و یک مولکول اکسیژن) که بخش اعظمی از جهان (قریب به دوسوم) آن را تشکیل می‌دهد (شهری، ۱۳۹۱: ۱۵).

آب یکی از گران‌بهارترین نعمت‌های خداوند است و زندگی تمام جانوران به آن وابسته است. انسان و همه‌جانداران برای زندگی و رشد به آب نیاز دارند، اما باید دانست که باینکه ۷۵٪ سطح زمین را آب فراگرفته، ۹۸٪ آن‌ها شور و فقط ۲٪ آن شیرین است و بیشتر

آب‌های شیرین نیز یخ‌زده است و انسان فقط کمتر از ۱٪ آب‌ها را می‌تواند استفاده کند (پاداش ستوده، ۱۳۷۹: ۱۵). بنابراین، با توجه به رشد سریع جمعیت جهان، نه تنها آب به مهم‌ترین معضل انسان تبدیل می‌شود، بلکه سوء مدیریت آن از سویی و آلودگی و اسراف آن از سوی دیگر، جهان را با معضلی به نام «بحران آب» روبه‌رو می‌کند، به طوری که بین سال‌های ۱۹۵۰-۲۰۵۰م بر اثر رشد جمعیت، میزان آبی که از چرخه آب‌شناسی جهان به هر نفر تعلق می‌گیرد، ۷۳٪ کاهش خواهد یافت (براون لستر، بی تا: ۳۱). این شرایط و خطرهای فزاینده آن باعث شده است تا هر روز شاهد گزارش‌های نگران‌کننده در مورد کاهش آب شیرین در جهان، به ویژه آفریقا و آسیا باشیم.

وضعیت منابع آب نگران‌کننده است. سطح ایستایی آب پایین رفته است، دریاچه‌ها کوچک‌تر شده‌اند و تالاب‌ها از بین رفته‌اند. مهندسان امیدوارند مشکل آب را با انحراف آب رودهای بزرگ، با صرف هزینه‌های هم‌گفت و اثرات زیست‌محیطی فراوان، حل کنند، شهرنشینان بر سر منابع محدود آب رقابت دارند. مردم خاورمیانه بارها از زبان سیاسی شنیده‌اند که امکان وقوع جنگ بر سر آب وجود دارد (پوستل، ۱۳۸۳: ۲۸). سیاست‌ها، قوانین و رویه‌های که مبنای مصرف فعلی آب هستند، سه اصل اساسی استفاده پایدار از منابع، بهره‌وری، انصاف و حفظ اکولوژی را در نظر نگرفته‌اند (همان: ۳۱).

انجام کار بیشتر با آب کمتر، اولین و ساده‌ترین راه امنیت آب است. با استفاده بهینه از آب در واقع منبع جدیدی به وجود می‌آوریم، صرفه‌جویی هر لیتر آب به رفع نیازهای جدید کمک می‌کند و برای این کار نیازی به سد یا استفاده بیشتر از آب‌های زیرزمینی نیست. با روش‌ها و فنون جدید می‌توان بدون اینکه تولیدات اقتصادی یا سطح زندگی آسیب ببیند، مصرف آب را در بخش کشاورزی ۱۰ تا ۵۰ درصد، در صنایع ۴۰ تا ۹۰ درصد و در شهرها تا ۱,۳ کاهش داد. سرمایه‌گذاری در بهره‌وری، بازیافت، صرفه‌جویی و استفاده مجدد آب در مقایسه با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های متعارف تأمین آب، باصرفه‌تر است (همان: ۳۲).

در برخی موارد مشکلات آب مستقیماً از سوء مدیریت یا تخریب اراضی ناشی می‌شود. وقتی باران می‌بارد آب فوراً جاری می‌شود و به رودها و جویباری‌ها می‌یرزد و به دریا

بازمی‌گردد یا جذب خاک می‌شود و به هوا بازمی‌گردد. تخریب زمین با جنگل‌زدایی، چرای بی‌رویه یا توسعه شهری توازن مسیر باران را برهم زده است. با کاهش پوشش گیاهی خاک توان کمتری برای جذب و نگهداری آب پیدا می‌کند. روان آب‌ها بیشتر می‌شود و جذب آب در خاک و تجدید آبیگرها کمتر می‌گردد. در نتیجه خاک مرطوب و آب‌های زیرزمینی کمتری در فصول خشک در دسترس خواهد بود. در فصول باران نیز روان آب‌های سریع سیل پدید می‌آورد و باعث فرسایش خاک می‌شود (همان: ۴۱-۴۲).

آلودگی آب‌ها عوامل یا منابع متعددی دارند:

۱- انتقال فاضل آب‌های خانگی به رودها، دریاچه‌ها و آبیگرها و آلوده ساختن آن‌ها به مواد آلاینده و سمی.

۲- ریختن زباله‌های گوناگون صنعتی یا نیمه مایع در آب‌ها.

۳- بقایای ناشی از فعالیت‌های کشاورزی، مانند کودهای شیمیایی و حشره‌کش‌ها و امثال این مواد که به خاک افزوده یا به درختان زده می‌شوند و آب‌ها و سیلاب آن‌ها را با خود به رودها و دریاچه‌ها و در نهایت به دریاها می‌برند خودشان تبخیر شده و به جومی روند و از آنجا توسط باران به زمین می‌آیند (حسین احمد، ۱۳۹۷: ۲۰۷).

ب) خاک

خاک لایه بسیار نازکی از کره زمین را تشکیل می‌دهد. وجود و تغذیه موجودات زنده به آن وابسته است. خاک از مواد متنوعی نظیر مواد معدنی جامد، مواد آلی و آب‌وهوا و میکروارگانیسم تشکیل شده است. در قسمت معدنی آن فرسایش‌ها و سایر تغییرات فیزیکی دوران مختلف زمین‌شناسی، صخره‌ها را به خاک تبدیل نموده است. قسمت آلی موجود در خاک از بازمانده‌های گیاهی و حیوانی در پی عمل تخریب، حتی شامل باکتری‌ها و قارچ‌ها و موجوداتی نظیر کرم خاکی می‌شود. یک خاک نمونه که تولید محصول بنماید حدوداً حاوی ۵ درصد مواد آلی و ۹۵ درصد مواد معدنی است (دبیری، ۱۳۸۵: ۳۳۴). خاک از عناصر است که بی‌منت در اختیار بشریت قرار گرفته و به همین دلیل به‌ظاهر عنصر بی‌ارزش جلوه می‌کند و چشمان پاهربین و کوتاه‌نظر آدمیان منزلت واقعی آن را نمی‌بینند درحالی‌که حیات تمام موجودات زنده از خاک است.

هرگونه تغییر در ویژگی‌های اجزای تشکیل‌دهنده خاک به‌طور که استفاده از آن ناممکن گردد، آلودگی خاک نامیده می‌شود (بلوچیان طرقی، ۱۳۹۴: ۶۱).

در تعریف دیگر گفتند: منظور از آلودگی و تخریب خاک، پخش یا آمیختن مواد خارجی به آن است، به‌میزانی که کیفیت فیزیکی یا زیست‌شناسی آن را تغییر دهد، به‌طوری‌که به‌حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان زیان‌آور باشد (تقی‌زاده انصاری، بی‌تا: ۵۵-۵۶).

در ذیل به برخی از منابع آلوده‌کننده خاک اشاره می‌شود:

- ۱- کارخانه‌های ذوب فلزات، زباله‌های شهری و صنعتی، حشره‌کش‌ها و ترافیک خودروها همگی می‌توانند غلظت عناصر موجود در خاک را به حدسمی برسانند.
- ۲- فضولات آلی (اعم از فضولات خانگی، صنعتی، روستایی)
- ۳- قطع بی‌رویه درختان که سبب فرسایش خاک می‌شود، سبب خشک‌سالی سال‌های اخیر می‌شود.

- ۴- تبدیل کشتزارها و جنگل‌ها به مناطق مسکونی و سایر تأسیسات شهری، صنعتی و خدماتی.
- ۵- استفاده از نمک در زمستان (بر سطح جاده‌ها) برای جلوگیری از سر خوردن ماشین‌ها (همان: ۶۱-۶۲).

ج) هوا

هوا به‌صورت لایه‌ای ضخیم به ضخامت شصت تا صد کیلومتر دور زمین را فراگرفته است. به این لایه، اتمسفر یا جو نیز می‌گویند: به‌عبارت‌دیگر جو، منطقه‌گازی می‌باشد که کره زمین را احاطه کرده است (نوری، ۱۳۷۲: ۳۲). بدون هوا هیچ موجودی قادر به زندگی نیست. انسان بدون آب و غذا چند روزی می‌تواند زنده بماند، اما بدون هوا بیش از سه دقیقه قادر به ادامه حیات نمی‌باشد. حدود ۹۹٪ هوا از ازن و اکسیژن تشکیل شده است. لایه‌ها علاوه بر این که منبع اکسیژن است، از جنبه‌های دیگر نیز بسیار بارزش است. بدون هوای اطراف زمین، توزیع گرما دچار اختلال می‌شود، بدون هوا ارتعاشات صدا به‌خوبی منتقل نمی‌شود و زمین در سکوت فرو می‌رود و بدون هوا زمین در معرض اشعه مهلک خورشیدی قرارگرفته و از حیات تهی می‌شود.

مهم‌ترین آلوده‌کننده‌ای که از طریق اتومبیل‌های بنزینی در هوا منتشر می‌شود، سرب است (پاداش ستوده، همان) که روزانه در حال افزایش است. آلودگی خطرناک شهرها را نمی‌توان جدا از رشد شهرها و شهرنشینی و توسعه بی‌رویه حومه‌ها و حواشی شهرها که این مهم نیز معلول رشد بی‌رویه جمعیت است، در نظر گرفت. به بیان دیگر، رشد انفجار آمیز جمعیت همراه با توپوگرافی ناموزون شهرها تنها به آلودگی هوا منجر نشده، بلکه به کمبود اراضی مناسب برای توسعه شهری دامن زده است. از طرف دیگر، اشغال اراضی پست، به منظور فعالیت‌های کشاورزی، حساسیت‌پذیری اکوسیستم را بیشتر دامن زده است. پیامدهای تغییر در زهکشی‌های طبیعی به تشدید بروز سیل، زمین‌لرزه، فرسایش خاک، مسدود کردن مسیر روان آب‌ها و پر شدن رودخانه و تغییر سیستم هیدرولوژی منجر شده است. سیل در دشت‌های هموار، مصائب و پیامدهای فاجعه‌آمیزی به همراه داشته است (تولایی، ۱۳۸۲: ۷).

د) جنگل و مراتع

جنگل توده‌های انبوهی از گیاهان و درختان را گویند که سطح گسترده‌ای از زمین را فراگرفته و به گونه‌ای طبیعی روئیده‌اند (شوکت فدایی، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

مرتع نیز به معنای چراگاه، سبزه‌زار و گیاه خودرویی است که در صحرا می‌روید و به تعبیر دهخدا: «چراگاه سبزه‌زاری است که بهایم در آن می‌چرند و آب و غفلت در آن بسیار باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۲: ۱۸۲). درباره تعریف مرتع در دانش نوبنیاد مرتع‌داری اختلاف نظر است. به یک تعریف می‌توان گفت مرتع عبارت است از: «سرزمینی که دست‌کم مدتی از سال دارای پوشش گیاهی خودرو باشد و از دو نوع مراتع طبیعی و مصنوعی ممکن است، تشکیل شده باشد» (شوکت فدایی، همان: ۱۹). مرتع‌های طبیعی زمین‌هایی هستند که گیاهانی خودرو دارند، دام‌ها در آن‌ها می‌چرند و آدمیان سهمی در روئیدن آن‌ها نداشته‌اند و مرتع‌های مصنوعی، عبارت‌اند از مرتع‌هایی که انسان در بالندگی و یا تأسیس آن تأثیر دارد (همان: ۹-۱۷).

از مهم‌ترین پیامدهای چالش جنگل‌ها و مراتع، علاوه بر نابودی این منابع ارزشمند، فرسایش شدید خاک و بروز سیل و آب‌های ویرانگر است (ولایتی، ۱۳۸۵: ۵۳).

ه) جانوران

جانوران نیز جزء آسیب‌پذیرترین موجوداتی می‌باشند که در سال‌های اخیر مورد تهدید قرار گرفته و انواع نادر آن در معرض انقراض است. این مشکلی فراگیر و جدی است که تنها به یک نمونه آن اشاره می‌شود. فعالان محیط زیست می‌گویند: هرگونه آسان‌سازی ممنوعیت جهانی تجارت عاج می‌تواند انفجاری در تقاضا به وجود آورد و نسل گله‌های رو به انقراض فیل‌ها را به کلی براندازد. در سال ۱۹۹۰ م پس از یک مبارزه طولانی هیجان‌انگیز توسط تشکل‌های طرفدار حیات وحش و پس از آنکه جمعیت فیل‌های آفریقا، به خاطر شکار و قاچاق شدید به نصف کاهش یافته بود، شکار فیل ممنوع شد، اما از آن‌پس فشار سهمگینی برای رفع ممنوعیت وجود داشته است. دان استایلز در گزارشی تکان‌دهنده درباره تجارت عاج می‌گوید: فروش مجاز عاج می‌تواند شکار غیرقانونی فیل را رواج دهد... بدتر از همه این است که شکارچیان غیرقانونی ترجیح می‌دهند. یک‌باره، گله فیل‌ها را باهم شکار کنند تا جمع‌آوری عاج‌های آن‌ها آسان‌تر باشد (همشهری، ۱۳۸۲). البته شکار بی‌رویه جانوران اختصاص به فیل و تجارت عاج ندارد. نمونه‌های دیگر، پرندگان و جانوران صحرای آفریقا و آسیا هستند که به دلیل تجارت پوست، شاخ با سایر اجزای آنان و سودجویی بی‌رویه، در معرض نابودی قرار دارند و این نیز از سوغات تمدن غرب می‌باشد که به اعتراف کارشناسان محیط زیست، بسیاری از حیوانات را در حال انقراض قرار داده است: در تلاش فعلی برای کسب غذا، این حیوانات هستند که بهای ندانم کارهای ما انسان‌ها را پرداخت کرده‌اند. ما تا حد انقراض نسل، حیوانات را کشته‌ایم. به جای آنکه حیوانات را تک‌تک و به روش سابق و مرسوم بکشیم، فن‌آوری جدید، ابزارهایی را برای کشتن صدها حیوان در یک آن در اختیارمان گذارده است، مثلاً تورهای ماهی‌گیری سبزه مایل می‌توانند اقیانوس‌ها را مانند جاروی برقی جارو کنند و سر راه، آنچه به تور برخورد کند، خوردنی یا نخوردنی را نابود سازند (فضلان، ۱۳۷۸: ۳۳).

البته این تنها حرص اشباع‌ناپذیر انسان‌ها نیست که برای کسب سود بیشتر و رسیدن به ثروت قارون در یک‌شب، او را به جان جانوران بی‌زبان انداخته و دمار از جانوران و پرندگان درآورده و بسیاری از گونه‌های جانوری را در حال انقراض قرار داده است، بلکه خوش‌گذرانی و بی‌قیدی نیز به سراغ انسان آمده و او را به نابودی حیوانات واداشته است (همان: ۳۳-۳۵).

۳- عوامل بنیادین بحران زیست‌محیطی

شرایط آشفته کنونی محیط زیست که از آن تحت عنوان بحران زیست‌محیطی در برخی کشورها یاد می‌شود، مانند هر پدیده دیگر، درزمینه‌ها و عوامل گوناگون ریشه دارد که تحت تأثیر آن‌ها طی فرآیند خاصی چهره بسته است. البته ریشه‌یابی و تعلیل این معضل، نیازمند فرصت بسیار و ارزیابی و تحقیق گسترده در حوزه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و در یک کلام، مادی و معنوی است تا سهم هر یک از عوامل مؤثر، روشن‌شده و برای برون‌رفت از وضعیت نابسامان کنونی، چاره‌جویی گردد. در مجموع می‌توان گفت که با پذیرش این نکته که هم شرایط کشورهای مختلف در این باره یکسان نیست و هم سهم هر یک از عوامل را نمی‌توان همسان دیگر مؤلفه‌ها در نظر گرفت، عوامل بنیادین آن به بخش‌های اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل‌بخش‌اند و تمام علل ریزودرشت دیگر، سرانجام به یک یا چند عامل فوق‌برمی‌گردد و در چارچوب آن درخور بررسی و ارزیابی می‌باشد. طبیعی است با نمایاندن مؤلفه‌های مؤثر در بحران محیط زیست، نقش دیدگاه‌ها و سیره معصومان(ع) علم در ارتباط با محیط زیست و کاهش دامنه بحران و کنترل پیامدهای سوء آن، بیشتر روشن می‌شود.

اختیارات و مسؤلیت‌های
حکومت اسلامی
در حل معضلات
محیط زیستی

۱. عنصر اعتقادی

معضل کنونی محیط زیست، مانند بسیاری از مشکلات معاصر در عدم باورمندی آدمیان به عالم بالا ریشه دارد که بیشتر آن در غرب چهره‌ها و نموده است. غرب و تمدن آن، زمین و امکانات موجود در آن را ملک طلق خود دانسته و بادید اقتصادمحور و خود‌انگار، به طبیعت رو آورده و در جهت کسب منافع بیشتر و تصرف بازار تولید و مصرف، چهارنعل به پیش تاخته است و در این باره و برای نیل به هدف مزبور، همه امور دیگر برای او جز وسیله و ابزاری، تلقی نمی‌شود. در نتیجه، سردمداران سیاست و کمپانی‌ها و کارتل‌های غربی در یک رقابت نفس‌گیر منفعت‌محور، جهان را به‌جایی کشانده‌اند که امروزه در بخش طبیعت، از آن به بحران محیط زیست یاد می‌گردد و هرروز بر دامنه مشکلاتش افزوده می‌شود (ناصری، همان: ۴۷).

حل معضل محیط زیست، بیش از همه نیازمند اصلاح نگرش بشر نسبت به جهان، به‌ویژه طبیعت و محیط پیرامون آن است و اسلام با دادن بینش الهی به انسان و امانت دانستن زمین و

طبیعت در دست وی و واداشتن او به امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری، مهم‌ترین مبنای فکری و ارزشی را برای پیش‌گیری از آلودگی محیط زیست و حفاظت از آن ارائه داده است

۲. عنصر سیاسی

عنصر سیاسی را در سه قسمت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اول: نقش استعمار در نابودی محیط زیست

استعمار کشورهای مختلف جهان توسط کشورهای اروپایی و غرب به‌منظور غارت ثروت‌های خدادادی، به کار گرفتن نیروی کار ارزان و خریدوفروش برده، خود پدیده منفی و غیرانسانی به حساب می‌آید، زیرا در انحصار گرفتن بازارهای مصرف برای فروش محصولات و تولیدات خویش و تأمین سود کافی برای تولیدگران و کارخانه‌داران، در ذات خود با مقوله محیط زیست و رعایت اصول آن در تضاد است. اگر استعمار، دیروز منابع زیرزمینی و جنگل‌ها و گیاهان دارویی و بسیاری از جانوران را با ولع سودجویی فراوان به نابودی کشاند، امروز تحت عناوین مختلف از نفت و منابع انرژی، برخلاف اصول محیط زیست، سود جسته و زیان‌های فراوان را متوجه آن کرده است، چنان‌که یکی از نویسندگان و پژوهشگران مسائل محیط زیست، نقش استعمار در نابودی منابع کشورهای اسلامی و بروز آلودگی‌های زیست‌محیطی را برجسته دانسته و افزوده است که غارت منابع نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیز تبعات ناگوار جنگ خلیج فارس (جنگ نفت) در سال ۱۹۹۱ م یکی از عوامل اصلی ناهنجاری‌های زیست‌محیطی در سرزمین اسلامی است (همان: ۵۴).

غارت منابع طبیعی و به یغما بردن داشته‌های زمینی و ذخایر زیرزمینی مردم استعمار زده و تحت سلطه، یکی از اقدامات استعمارگران در سرزمین‌های تحت استعمار است (ویل دورانت، ۱۳۶۵: ۵۴۶).

دوم: جنگ‌ها و ناامنی‌ها

جنگ‌ها، بیشترین آسیب را به محیط زیست وارد می‌کند، زیرا در اثر آن، حاکمیت قانون و اجرای مقررات، از جمله قوانین و مقررات مربوط به مسائل زیست‌محیطی تعطیل می‌شود و در اثر هرج و مرج و قتل و غارت، بسیاری از مواهب طبیعت، مثل جنگل‌ها طعمه حریق، بمباران

و... می‌گردد، کاریزها، رودخانه‌ها و شبکه آبرسانی آسیب‌دیده آلوده می‌شود و دست‌رسی مردم به آب و غذای بهداشتی با اشکال مواجه می‌گردد، آب‌وهوای شهر بر اثر استفاده از سلاح‌های کشنده، آلوده شده و امنیت، مختل گشته و تعفن و میکروب‌های مختلف از اجساد به زمین مانده متصاعد شده، انواع بیماری‌های واگیردار در منطقه جنگی شایع می‌شود و بسا در مواردی نقض قوانین جنگی و استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف، از جمله بمب‌های شیمیایی و میکروبی یا حتی هسته‌ای رخ دهد و زمین، طبیعت و هوای منطقه برای چندین نسل دچار آسیب شده و انواع نارسایی‌ها را در انسان و سایر موجودات زنده و گیاهان و جنگل و خاک به بار آورد و بحران محیط زیست را ایجاد کند.

کافی است به آسیب‌های جنگ‌های اول و دوم جهانی، به‌خصوص در اروپا و ژاپن اشاره نمود یا جنگ‌های سال‌های اخیر در خلیج فارس را شاهد آورد که چگونه به اکوسیستم منطقه، خسارت‌های جبران‌ناپذیر هوایی، و دریایی پدید آورده است.

سوم: استفاده از سلاح‌های هسته‌ای

آثار استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در جنگ‌ها تا صدسال بر روی کره زمین باقی می‌ماند. این سلاح‌ها علاوه بر تلفات مقطعی باعث ضایعات بسیار عظیمی در نسل‌های منوالی جانداران می‌گردد. هوایی که به مواد هسته‌ای آلوده است باعث می‌شود تا فرزندان جانوران ناقص‌الخلقه به دنیا بیایند، آزمایش‌های هسته‌ای و حوادثی که در نیروگاه‌های اتمی پیش می‌آید، از منابع انتشار تابش‌های هسته‌ای روی کره زمین است (علی جان، همان: ۳۶).

۳. عنصر اقتصادی

این‌که آزمندی بیش از اندازه و انگیزه کسب ثروت بیشتر و طمع اشباع‌ناپذیر موجب بسیاری از پیامدهای منفی، به نام معضلات زیست‌محیطی گردیده است، تقریباً کسی آن را انکار نمی‌کند و به‌جرئت می‌توان گفت که این عامل در رأس دیگر عوامل قرار دارد و بیش از سایر امور در این وادی، نقش دارد.

طبیعی است که افزایش جمعیت کره زمین، نیازهای بیشتر اقتصادی و در نتیجه، بهره‌وری افزون‌تری در قبال خود داشته است. البته در صورتی که به نیازهای واقعی به‌صورت صحیح و

روشمند پاسخ داده شود و از ایجاد نیازهای کاذب جلوگیری گردد، این امر، مشکلات زیست‌محیطی در پی نخواهد داشت. یکی از پژوهشگران می‌گوید: «بی‌شک، افراد بیشتر و بیشتری محتاج غذا/بند، اما این نیاز، دلیل آن نیست تا موضوع جنگالی برنامه‌ریزی تنظیم خانواده را قطعاً بپذیریم، جز آن‌که تصور کنیم باید به این مشکل با دیدی نو و معنوی، همچون دید مؤمنان نگرست» (حافظ مصری، ۱۳۷۸: ۳۱).

وجود روحیه فردگرایی در بین برخی گروه‌های اسلامی باعث رفتار نامناسب با طبیعت و محیط زیست شده و توجه به منافع آنی و فردی به جای توجه به منافع عمومی و جمعی، از عوامل اصلی معضلات محیط زیست به شمار می‌رود (بزی، ۱۳۸۱: ۵۴).

یکی از نویسندگان به این مشکل اشاره کرده و می‌نویسد: «درختان جنگل‌ها برای استفاده از چوب یا برای به دست آوردن زمین بیشتری برای کشاورزی قطع می‌شود، در مناطق وسیع‌تری نیز درختان قطع می‌شوند تا زمین و مرتع برای تأمین خوراک دام ایجاد شود و گوشت دام برای رفع نیاز کشورهای دیگر صادر شوند. تنها از تنه درختان می‌توان برای تهیه الوار استفاده کرد، شاخه‌ها و خرده چوب‌ها روی زمین می‌مانند و می‌پوسند و در نتیجه، گاز دی‌اکسید کربن و متان را وارد جو می‌کنند» (حافظ مصری، همان: ۲۷). البته مشکل اقتصادی به‌عنوان یکی از عوامل در تخریب محیط زیست، بیش از همه جهان سوم را تهدید کرده است و این معضل حتی در مورد کشورهایی که سال‌هاست با منابع انرژی سستی فاصله گرفته، فرق نمی‌کند.

۴. عنصر فرهنگی

گونه‌ی نگرش به طبیعت، جانوران، پرندگان و گیاهان و جنگل و... به فرهنگ و باورهای فرهنگی افراد بستگی دارد و چنان‌که رفتار به این مقوله نیز خارج از رویکرد فرهنگی آنان نیست. مشکلات زیست‌محیطی ناشی از نگاه فرهنگی افراد به محیط زیست، بسیار متنوع بوده و جلوه‌های مختلف دارد و در یک نگاه کلی به افراط و تفریط منجر شده و ممکن است نتایج زیان باری در هر دو حالت داشته باشد. کافی است اشاره شود که مردم آلمان با نگاه تقدیس و بزرگ‌انگاری که به درختان و جنگل داشتند تا قرن‌های متمادی از هرگونه تصرف به‌جا و روشمند در مورد قطع درختان و ساخت‌وساز مجاز ساختمانی و.. در محدوده آن‌ها خودداری

می‌کردند. چنان‌که برخی از فرقه‌های هندی با مقدس شمردن برخی از انواع حیوانات، به‌ویژه گاو، از هرگونه بهره‌بهینه از گوشت، شیر و پوست آن خودداری می‌کنند، حتی در برخی استان‌های ایران، از جمله گیلان نیز بعضی مردم، جنگل و درخت را مقدس دانسته و بدان، رویکرد غیرعقلانی و خرافه‌آمیز دارند. اما طبیعی است که امروزه رویکرد بسیاری از مردم جهان در مقابل این دیدگاه‌ها قرار گرفته و تحت انگیزه‌های مختلف و اهداف خاص به نابودی طبیعت و مواهب آن اقدام می‌کنند (ناصری، همان: ۵۷).

بر این دیدگاه متناقض افراطی و تفریطی در مورد محیط زیست، باید ناآگاهی بسیاری از مردم را درباره ماهیت، ارزش و فواید زمین، هوا، جنگل، جانوران و... افزود. واقعیت تلخ آن است که بسیاری از مردم و حتی برخی از افراد دانش‌آموخته در مورد ارزش محیط زیست و حفاظت از آن، اطلاعات چندانی ندارند. مردم تا همین چند قرن پیش [و حتی در برخی کشورها همین حالا] عقیده داشتند که وسعت زمین، نامحدود است و منابع آن پایان‌ناپذیر است. این عقیده نادرست سبب شد تا مردم خیال کنند می‌توانند هر طور که می‌خواهند و به هر وسیله‌ای که شده است نیازهای خود را برآورده سازند، به این گمان که بر این منابع، پایانی متصور نیست (حافظ مصری، همان: ۱۷).

این مهم که بحران کنونی در اثر مشکل فرهنگی است، چنان مسلم و غیرقابل خدشه است که حتی کارشناسان غربی نیز بر آن تأکید کرده‌اند، چنان‌که یکی از آنان در این باره می‌نویسد: «گرچه مسائل زیست‌محیطی را اغلب به‌صورت یک مقوله علمی و عینی ترسیم می‌کنند، اما درگیری‌های اصلی زیست‌محیطی با ارزش‌ها و آگاهی‌های ما در ستیز است و دانش (و نه علم) که عبارت از داده‌های علمی به‌اضافه درک ما از مسائل است، به ما می‌گوید که کدام راه‌حل‌ها امکان‌پذیر است. اینکه در نهایت چه تصمیمی می‌گیریم و کدام‌یک از راه‌حل‌ها را انتخاب می‌کنیم به ارزش‌ها بازمی‌گردد» (دانیل بوتکین، بی تا: ۷).

وی در ادامه زیست‌ها و مشکلات مختلف زیست‌محیطی را شمرده و می‌افزاید: «این پنج زمینه، یعنی مشکلات جمعیت انسانی، دنیای شهری، پایداری، دیدگاه جهانی و ارزش‌ها و آگاهی‌ها، در درک ما از علم محیط زیست جنبه محوری دارد» (همان).

۴- جایگاه محیط زیست در فقه

فقه مشتمل بر قواعد کلی و احکام جزئی زیادی است که در حل مسائل زیست محیطی کارایی دارند. علم فقه رابطه انسان را با خدا، با خود و با خویشان و اجتماع و همچنین با طبیعت، طبق احکام شرعیه خمسه بیان می کند. بنابر این فقه با محیط زیست ارتباط وسیعی دارد. اولین کتاب فقه، کتاب طهارت است که مظهر محیط زیست سالم است. در کتاب صلوات به پاکی و نظافت بدن و لباس و مکان نمازگزار دستور داده شده و در باب زکات و صدقات و اوقاف به سالم سازی جامعه در مسائل اقتصادی فرد و جامعه توجه شده و در باب حج به تحریم صید و حرمت قطع نباتات و... امر شده، و در باب معاملات به احیاء موات و زرع و غرس و مساقات توصیه شده و در کتاب اطعمه و اشربه به حرمت اسراف و... دستور داده شده و در باب جهاد به ممنوع بودن قطع درختان و قطع آب به درختان و... حتی در حال جنگ دستور داده شده است. همه این دستورات و توصیه ها نشان از اهتمام فقه به حفظ محیط زیست و حرمت تخریب، آلودگی، اسراف است.

افزون بر دستورها و توصیه های موردی، در فقه قاعده های کلی وجود دارد که در حل معضلات محیط زیستی بسیار راه گشا و کارآمد است؛ از قبیل قاعده ولایت فقیه، حکم حکومتی، لاضرر، اتلاف، اسراف، افساد، مصلحت و....

۵- مسؤلیت ها و اختیارات حکومت اسلامی در حل معضلات محیط زیست

حکومت اسلامی نه تنها در حفظ محیط زیست از آلودگی و حفظ منابع آن از نابودی وظیفه مند است، بلکه در ترسیم سیاست های زیست محیطی و توسعه ای و تهیه طرح ها و برنامه ها و تلاش های عملی در راه محیط زیستی سالم نیز نقش مهمی دارد. در سایه اختیارات حاکم شرع می توان به بسیاری از راه حل های مشکلات زیست محیطی دست یافت.

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و دست اندرکاران محیط زیست، حل مسائل و مشکلات زیست محیطی همچون آلودگی هوا، پدیده ریزگردها و دست اندازی به جنگل ها و مراتع و فضاها ی سبز را نیازمند برنامه ریزی، تدبیر، پیگیری مستمر و جدی و قاطعیت دستگاه های مرتبط دانستند و تأکید کردند: حفظ محیط

زیست یک وظیفه حاکمیتی است که باید با تهیه سند ملی محیط زیست و پیوست زیست محیطی برای همه طرحهای عمرانی و صنعتی و همچنین جرم انگاری تخریب محیط زیست، به این وظیفه بسیار مهم، عمل شود

مهمترین وظایف حکومت اسلامی درباره حفظ و توسعه محیط زیست عبارتند از:

۱. پی ریزی قوانین زیست محیطی بر پایه اصول و مقررات الهی؛
۲. اجرای قوانین مبارزه با مفسدان زمین و تخریب گران طبیعت و محیط زیست برای تأمین مصالح عمومی؛
۳. توجه به مسائل فقهی و اخلاقی زیست محیطی در تعلیم و تربیت اسلامی و فرهنگ سازی زیست محیطی بر اساس تعالیم آسمانی؛
۴. بهره گیری از افراد شایسته در هرم اداری محیط زیست که با قدرت تمام توانایی مقابله با مفسدان را داشته باشند؛
۵. بهره گیری از سیاست‌های کلان اقتصادی و فرهنگی برای توسعه پایدار توأم با حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست؛
۶. ترسیم و ارائه راهکارهای انتقال از وضعیت موجود محیط زیست به وضعیت مطلوب آن؛
۷. تعیین مجازاتهای بازدارنده برای مفسدان محیط زیستی، زمین خواران، تخریب کنندگان مراتع و جنگل‌ها.
۸. بستن معاهدات بین‌المللی زیست محیطی و اجرای آن‌ها.

مبنای فقهی اختیارات حکومت در انجام وظایف فوق

انجام وظایف فوق از اختیارات ولی فقیه در حکومت اسلامی است. ولی فقیه برای حفظ و توسعه محیط زیست بر اساس مصلحت جامعه و با استفاده از قواعد فقهی و احکام حکومتی می تواند وظایف فوق را در دستور کار دولتمردان و مجریان قرار دهد.

علامه طباطبائی این قبیل تصمیم گیری ها را از مصادیق حکم حکوکتی معرفی می کند:
«احکام حکومتی، تصمیماتی است که ولی امر، در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آن‌ها

به حسب مصلحت وقت گرفته، طبق آن‌ها مقرراتی وضع نموده، به اجرا درمی‌آورد. مقررات نام‌برده لازم‌الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار می‌باشند، با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و غیرقابل تغییر و مقررات وضعی، قابل تغییر و در ثبات و بقا، تابع مصلحتی می‌باشند که آن‌ها را به وجود آورده است و چون پیوسته، زندگی جامعه انسانی در تحول و رو به تکامل است طبعاً این مقررات تدریجاً تغییر و تبدل پیدا کرده، جای خود را به بهتر از خود خواهند داد. بنابراین می‌توان مقررات اسلامی را بر دو قسم دانست؛ قسم نخست احکام آسمانی و قوانین شریعت که مواردی ثابت و احکامی غیرقابل تغییر می‌باشند و قسم دوم مقرراتی که از کرسی ولایت سرچشمه گرفته، به حسب مصلحت وقت وضع شده و اجرا می‌شود» (طباطبایی، بی تا: ۸۳-۸۵).

برخی دیگر گفته‌اند: «احکام حکومتی عبارت است از مجموعه دستورات و مقرراتی که بر اساس ضوابط شرعی و عقلایی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی حاکم اسلامی برای اجرای احکام و حدود الهی و به‌منظور اداره جامعه در ابعاد گوناگون آن، و تنظیم روابط داخلی و خارجی آن صادر می‌گردد» (کلانتری، ۱۳۷۸: ۱۰۹؛ صرامی، ۱۳۸۰: ۴۷).

بنابراین حکم حکومتی، حکمی است که ولی فقیه با رعایت مصالح جامعه^۱ در چارچوب قوانین اسلام وضع می‌کند.

روایات معصومان(ع) مجال وسیعی برای رهبران دینی جهت حفاظت محیط زیست در نظر گرفته است، به‌طوری‌که رهبر دینی جامعه در این زمینه، بیش از بسیاری از میادین و پهنه‌ها، اختیار داشته و می‌تواند هر آنچه به صلاح عموم و آینده مسلمانان است درباره شکار حیوانات، درختان جنگلی، بهره‌وری از آب‌ها و رودخانه‌ها و سایر امور، نظر داده و مقرراتی را به مرحله اجرا درآورده و مردم باید به‌عنوان احکام دینی بدان نگرسته و در انجام آن بدون هیچ مخالفت و سرپیچی بکوشند.

۱. منظور از رعایت مصالح جامعه این است که حاکم و حکومت اسلامی با توجه به قوانین و خواسته‌های دین اسلام و با توجه به نیازها و مقتضیات متغیر و مختلف جامعه، به صدور احکام حکومتی، مبادرت نماید. برخی از مصالح عمومی جامعه از این قرار است: برقراری حکومت اسلامی، بقای کشور اسلامی، حفظ اصل اسلام، اعلاهی اسلام بر کفر، نفی سلطه اجانب، انتظام امور جامعه اسلامی، ترقی دادن فرهنگ عمومی افراد جامعه...

در اسلام، ولی فقیه و حاکم اسلامی با صدور حکم حرمت استفاده بی‌رویه از جنگل یا ممنوعیت استفاده از گوشت یا پوست فلان حیوان یا قطع درختان و تخریب مراتع و یا دستور به کشت و غرس و نگاه‌داری می‌تواند بر رفتار مردم و اخلاق زیست‌محیطی جامعه تأثیر گذاشته، از آنان به‌عنوان تکلیف شرعی، رعایت امور موردنظر را در پهنه محیط زیست بخواهد.

تعیین مجازات بازدارنده

حکومت اسلامی می‌تواند برای تنبیه و اصلاح مخالف‌کنندگان با قوانین و مقررات زیست‌محیطی، مجازات‌های مناسب و بازدارنده تعیین کند. آنچه در فقه اسلامی معروف است و درباره آن نص وجود دارد (ن.ک. حر عاملی، بی‌تا، ۲۸: باب ۹)، این است که حاکم می‌تواند از روش تنبیه بدنی که اصطلاحاً به آن «تعزیر» می‌گویند - با ضوابط و شروط خاصی به لحاظ کیفی و کمی - استفاده کند. طبق برخی مبانی فقهی، تنبیه بدنی روش مشخص و تعیین‌شده‌ای نیست، بلکه می‌توان از دو روش دیگر نیز استفاده کرد حبس و جریمه مالی (حسین احمد، همان: ۱۹۰). آیت‌الله خوئی به این فتوا داده است. ایشان می‌گویند: «برای هیچ‌کس جایز نیست در خیابان‌ها و معابر عمومی چیزی که به رهگذران و مانند ایشان زیان و آسیب برساند، قرار دهد، از این کار باید به هر وسیله ممکن جلوگیری کرد، اگرچه با وضع مجازات مادی، به خاطر حفظ مصالح عمومی، همچنین برای گذاشتن کثافات و آشغال در آن‌ها» (خوئی، بی‌تا، ۲: ۳۴۲). ایشان در پاسخ به این سؤال که: اگر کسی در ملک خود کثافات و زباله بریزد به‌طوری‌که سبب آسیب دیدن همسایگان شود، آیا تعیین جریمه مالی برای او جایز است؟ جواب داده است: «اگر دفع ضرر منحصر به آن باشد، جایز است» (همان: ۳۴۳).

بستن معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی و اجرای آن‌ها

معاهدات، توافق‌نامه‌هایی هستند که در چارچوب حقوق بین‌الملل بین دولت‌ها یا بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی منعقد می‌گردند. آن‌ها ممکن است به یکی از عناوین زیر نامیده شوند. از جمله: پیمان، کنوانسیون، معاهده، قرارداد، توافق‌نامه، پروتکل، یادداشت تفاهم و مقاله نامه، نام آن‌ها به‌طور کلی قابل توجه نیست بلکه ملاک آثار حقوقی آن‌هاست که به‌طور قطع

تعیین‌کننده است و عامل اصلی آن اراده دولت‌ها است که تصمیم به تنظیم چنین سند الزام‌آوری می‌گیرند (الکساندر کیس، ۱۳۸۴: ۴۴).

تخریب محیط زیست که در اثر دخالت بشر در طبیعت ایجاد شده مصیبتی جهانی شده است که هیچ‌یک از کشورهای جهان از عواقب شوم آن بر حذر نخواهند ماند و هیچ کشوری هم به‌تنهایی قادر به مهار آن نخواهد بود. متوقف کردن این روند فاجعه‌آمیز تنها زمانی میسر است که همه کشورها دست‌به‌دست هم داده و با همکاری و همیاری بین‌المللی، آتشی را که افروخته شده خاموش کنند. تخریب محیط زیست مرز نمی‌شناسد. آلودگی هوا و مواد سمی از طریق جریان هوا و رودخانه‌ها و دریاها و غیره از شهری به شهر دیگر و از کشوری به دیگر کشورها منتقل می‌شود. بر این اساس کسی که خواهان حمایت و حفاظت از محیط زیست است، بایستی به هم‌پیوستگی و ارتباط ساختاری محیط زیست و توسعه را هیچ‌وقت از نظر دور ندارد. از این رو سیاست حفاظت محیط زیست چیزی گسترده‌تر و فراتر از مرزهای مصنوعی و سیاسی و جغرافیایی و طبیعی کشورها است و اعمال آن نیز بایستی به‌گونه‌ای باشد که مسئولیت‌پذیری کل جهان را در برگیرد و همه کشورها و آحاد مردم در قبال آن احساس تکلیف و وظیفه نمایند.

امروزه، کنوانسیون‌های مختلفی در زمینه محیط زیست وجود دارد که هدف آن‌ها الزام دول متعاقد به همکاری بین‌المللی به منظور حفاظت محیط زیست می‌باشد. در واقع، هریک از این کنوانسیون‌ها، یک نوع تعهد اختیاری است که هریک از متعاهدین به منظور ترک و یا انجام امر و یا اموری به نحو مطلق و یا مشروط رسماً ابراز می‌دارند و نتیجه آن، مسئولیت‌ها و الزامات حقوقی خاصی را در زمینه محیط زیست دامن‌گیر آن‌ها می‌نماید.

خلاصه اینکه، در این برهه از تاریخ، مسائل زیست‌محیطی از حدود مرزهای سرزمینی فراتر رفته و جنبه جهانی یافته است و کشورهای مختلف نیز ملزم شده‌اند که در این باره اصول پیش‌بینی شده در بسیاری از کنوانسیون‌ها و قراردادهای بین‌المللی را رعایت کنند. کشورهای اسلامی نیز از جمله کشورهایی هستند که در بسیاری از این کنفرانس‌ها شرکت کرده‌اند، و در نتیجه باید قوانین خود را با اصول بین‌المللی مربوط به حمایت از محیط زیست هماهنگ

کنند. ارزش و اهمیت حقوقی فوق‌العاده قراردادها را از خصوصیات حقوق اسلامی به شمار می‌رود که با مطالعه و بررسی نصوصی که در این زمینه در متون و مدارک حقوق اسلامی وارد شده است، حقیقت این مسئله آشکار می‌گردد.

خداوند در قرآن بر اجرای پیمان‌ها تأکید فراوان نموده است. در نخستین آیه سوره مائده می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید...». در سوره نحل نیز می‌خوانیم: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ اللَّهَ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَكَلَّمْتُمْ عَلَىٰ أَيْمَانِكُمْ فَكُلَّمًا مِمَّا عَاهَدْتُمْ عَلَيْهِ قَلِيلًا مِّنَ الْعَهْدِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (نحل: ۹۱).

نکته‌ای که در این آیه بیشتر جلب توجه می‌نماید این است که قرآن در آیه فوق از قراردادها به عنوان پیمان خدا یاد نموده و متعاهدین را یادآور می‌شود که با عقد پیمان، گویی با خدا قرارداد نموده‌اند و پیمان خدا نیز مورد بازخواست خواهد بود. همچنان که قرآن می‌فرماید: «وخلق بر عهد خدا مسئول خواهند بود» (احزاب: ۱۵).

قرآن در سوره توبه نیز می‌فرماید: «پیمان آن‌ها را تا پایان مدتشان محترم بشمارید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد!» (توبه: ۴). در سوره اسراء نیز می‌خوانیم: «به پیمان خود وفا کنید. بی‌شک از هر پیمانی بازخواست خواهد شد.» (اسراء: ۳۴). در سوره بقره «نیز ضمن بیان ویژگی‌های نیکوکاران می‌فرماید: «و نیز نیکوکار آنان‌اند که با هر که عهد بسته‌اند به موقع خود وفا کنند.» (بقره: ۱۷۷). در سوره «رعد» در مورد خردمندان می‌فرماید: «آن‌ها که به عهد الهی وفا می‌کنند، و پیمان را نمی‌شکنند.» (رعد: ۲۰).

در این چند آیه اخیر موضوع اهمیت قرارداد و لزوم وفای به آن از جنبه حقوقی پا فراتر نهاده و به عنوان ممیز و علامت ایمانت معرفی شده است گویی حس وفای به عهد از ایمان سرچشمه می‌گیرد و خیانت به عهد ناشی از نقض یا فقدان ایمان می‌باشد چنانکه بررسی آیاتی نظیر آیه ۴ سوره توبه نیز بیانگر این نکته است که احترام به پیمان و وفای به آن همبستگی کامل با تقوی و روح پرهیزگاری دارد و تفکیک آن دو موجب انهدام روح تقوی می‌باشد. حضرت

علی(ع) در این باره می‌فرماید: «در میان واجبات الهی، هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان، با تمام اختلافاتی که دارند، مورد اتفاق نیست، به همین جهت بت پرستان زمان جاهلیت نیز پیمان‌ها را در میان خود محترم می‌شمردند زیرا عواقب دردناک پیمان‌شکنی را دریافته بودند» (نجم‌البلاغه، نامه ۵۳). ایشان در حدیث دیگری نیز فرموده‌اند: «خداوند چیزی جز عمل صالح از بندگان خود نمی‌پذیرد و جز وفای به شروط و پیمان‌ها را قبول نمی‌کند» (مجلسی، همان، ۶۷: ۱۹۱). پیامبر اسلام(ص) نیز در این زمینه فرموده‌اند: «رعایت پیمان از لوازم ایمان است» (پاینده، بی تا: ۷۴۸).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنابراین ملاحظه می‌گردد که دین اسلام تا چه حد بر پای بندی و رعایت پیمان‌هایی که منعقدشده، اهمیت قائل است. از این رو، حکومت اسلامی بایستی در اجرای توافقی‌های به‌عمل آمده در پیمان‌ها و قراردادهای زیست‌محیطی، کمال دقت و کوشش لازم را مبذول دارند و از هرگونه اقدام خلاف شرع پرهیز نموده و عملکردی متناسب با شأن حکومت اسلامی داشته باشند.

منابع:

- براون لستر آر (بی تا)؛ توسعه و جمعیت، ترجمه حمید طراوتی و فرزانه بهار، بی تا.
- بزی، خدارحم (۱۳۸۱)؛ «ایدئولوژی اسلام و محیط زیست»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۳۹ و ۴۰.
- بلوچیان طرقي، مریم (۱۳۹۴)؛ حفاظت محیط زیست، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات قدس رضوی.
- پاداش ستوده، فاطمه (۱۳۷۹)؛ کلیدهای آگاهی زیست‌محیطی، تهران سازمان تربیت بدنی.
- پاینده، أبو القاسم، نهج الفصاحه، ترجمه أبو القاسم پاینده، چاپ پنجم، انتشارات جاویدان.
- پوستل، سندرا (۱۳۸۳)؛ آخرین آبادی، ترجمه امیر عباس صدیقی و مسعود سلطانی، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- تقی زاده انصاری، مصطفی (بی تا)؛ حقوق محیط زیست در ایران، تهران، انتشارات ققنوس.
- تولایی، نسرتین (۱۳۸۲)؛ «تبعات زیست محیطی توسعه فضایی بی ضابطه شهر»، مجله علوم اجتماعی، ش ۲۲.
- همشهری (۱۳۸۲)؛ چتر آلودگی اوزون بر فراز اروپا، روزنامه همشهری، ش ۳۲۰۸، ساز یازدهم، آبان ۱۳۸۲.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه (الإسلامیه)، بیروت، دار احیاء التراث.
- حسین احمد (۱۳۹۷)؛ اسلام و محیط زیست، ترجمه حمید رضا شیخی، چاپ اول، مشهد.
- خوئی، ابوالقاسم الموسوی (بی تا)، المسائل الشرعیة، مؤسسه الخوئی الإسلامیه، بی تا.

- دانیل بوتکین و ادوارد کلب (بی‌تا)؛ شناخت محیط زیست، زمین سیاره زنده، ترجمه وهاب‌زاده، بی‌نا. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)؛ فرهنگ فارسی، تهران، موسسه انتشارات.
- صرامی، سیف‌الله (۱۳۸۰)؛ احکام حکومت و مصلحت، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- طباطبایی، سید محمد حسین (بی‌تا)؛ بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، مقاله «ولایت و زعامت»، بی‌نا.
- علی شهری (۱۳۹۱)؛ ترمینولوژی حقوق محیط زیست، تهران، چاپ دوم، انتشارات خرسندی.
- علی محسنی، علی جان (۱۳۷۸)؛ «رفتار با عناصر محیط زیست از نظر اسلام»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، وزارت جهاد کشاورزی.
- فدایی، محسن شوکت، سنگل، عباسعلی (۱۳۷۸)؛ مقدمه ای بر دام و مرتع، تهران، چاپ اول، دفتر طرح و برنامه‌ریزی و هماهنگی امور پژوهشی.
- فضلان ام خالد و جوان ابراین (۱۳۷۸)؛ اسلام و محیط زیست، مجموعه مقالات اسلام و محیط زیست، ترجمه اسماعیل حدادیان مقدم.
- کلاتری، علی اکبر (۱۳۷۸)؛ حکم ثانوی در تشریحی اسلامی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- کیس، الکساندر؛ فرید لانگ، وین؛ اچ، پیتر (۱۳۸۴)؛ حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۴.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)؛ بحار الانوار، بیروت، الطبعة الثانية المصححة، مؤسسه الوفاء.
- مصری، حافظ ب. ای. (۱۳۷۸)؛ اسلام و محیط زیست، مجموعه مقالات اسلام و محیط زیست، تهران.
- مینو دبیری (۱۳۸۵)؛ آلودگی محیط زیست، هوا، آب، خاک و صوت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ناصری داوودی، عبدالمجید (۱۳۹۱)؛ محیط زیست و بهداشت در سیره و سنت معصومان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- نوری، جعفر (۱۳۷۲)؛ فرهنگ جامع محیط زیست، تهران، مؤلف.
- ولایتی، سعدالله و علی اصغر کدیور (۱۳۸۵)؛ مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- ویل دورانت (۱۳۶۵)؛ تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، چاپ سوم، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

اختیارات و مسؤلیت‌ها
حکومت اسلامی
در حل مضلات
محیط زیستی